

سرمایه‌های منجمد در اقتصاد ناپایدار

با افت بازدهی بورس و بانک و حبس سرمایه در طلا و ارز، وزیر تعاون از طرحی برای تبدیل پس اندازهای غیرمولد به موتور تولید از مسیر اوراق کالایی سخن می گوید



جامانند بازدهی بورس و بانک در سال های اخیر، مسیر سرمایه‌های خرد و کلان را تغییر داده و بخش مهمی از پس‌انداز خانوارها را به سمت طلا، ارز و سکه سوق داده است. همزمان با اوج‌گیری قیمت جهانی طلا، هشدارها درباره حبس سرمایه و خروج پول از چرخه تولید افزایش یافته است. در همین فضا، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از ارائه طرحی برای هدایت این منابع به سمت تولید خبر داده و بر ضرورت شکستن چرخه انجماد سرمایه تأکید کرده است؛ طرحی که هدف آن تبدیل پس‌اندازهای غیرمولد به محرک‌های اقتصادی و کاهش فشار بر تولید عنوان می‌شود.

اپیدمی خاموش حبس سرمایه

رشد پیوسته قیمت جهانی طلا در ماه‌ها و سال‌های گذشته، تنها یک سیگنال سودآور برای سرمایه‌گذاران نیست، بلکه نشانه‌ای روشن از افزایش نااطمینانی در اقتصاد جهانی و ملی است. در چنین شرایطی، سرمایه‌ها به طور طبیعی از فعالیت‌های مولد فاصله می‌گیرند و به سمت دارایی‌هایی حرکت می‌کنند که کارکرد اصلی آنها حفظ ارزش است، نه خلق

ارزش. نتیجه این روند، تضعیف بازار سرمایه، کاهش سرمایه‌گذاری تولیدی و تشدید رکود است. در اقتصاد ایران، این الگو با شدت بیشتری بروز کرده و طلا و ارز به پناهگاه اصلی پس‌اندازها تبدیل شده‌اند. ادامه این مسیر، علاوه بر قفل شدن منابع مالی، ظرفیت رشد پایدار را فرسایش می‌دهد و سیاست‌گذار را با چالشی پیچیده برای بازگرداندن اعتماد عمومی روبه‌رو می‌کند؛ چالشی که بدون اصلاح سیاست‌های اقتصادی، ثبات مقررات و ارائه ابزارهای جذاب شده ایم. وقتی ارز کالا می‌شود، تقاضا برای آن دیگر تابع نیازهای وارداتی نیست، بلکه تابع ترس از آینده و انتظارات تورمی است. این وضعیت، یک کمیابی مصنوعی ایجاد می‌کند، یعنی با وجود ورود ارز به کشور، بخش عظیمی از آن توسط تقاضای احتیاطی بلعیده و منجمد می‌شود و دست تولید‌کننده واقعی را خالی می‌گذارد. خود این کمیابی نیز مجدداً به لنجری برای تشدید تورم و رکود بدل می‌شود.

حبس میلیاردها دلار ارز خانگی

سیدمحسن موتورچی، کارشناس اقتصادی در یادداشتی که در خبرگزاری مهر منتشر شد متذکر شده است: «مردم به رغم نداشتن نیاز تجاری، برای جلوگیری از آب شدن سرمایه خود در برابر تورم، به خرید و انباشت دلار روی آورده‌اند. طبق برخی برآوردها بین ۲۰ تا ۵۰ میلیارد دلار ارز خانگی وجود دارد که به جای جریان یافتن در جریان‌های تجارت و تولید،

در گاو صندوق‌ها و پستوی خانه‌ها حبس شده و این پدیده، نشانگر تغییر ماهیت پول در اقتصاد ایران است.» در واقع می‌توان گفت دلار در ایران از یک ابزار پرداخت، به یک کالای سرمایه‌ای تبدیل شده است. در یک اقتصاد سالم، ارز خارجی صرفاً ابزاری برای تسهیل تجارت است، اما در ایران به دلیل تورم مزمن و تضعیف اعتماد عمومی، ارز و طلا به اصلی‌ترین پناهگاه‌های حفظ ارزش سرمایه تبدیل شده‌اند؛ روندی که در این مدت تبعات جبران‌ناپذیر آن بر اقتصاد را شاهد بوده‌ایم. وقتی ارز کالا می‌شود، تقاضا برای آن دیگر تابع نیازهای وارداتی نیست، بلکه تابع ترس از آینده و انتظارات تورمی است. این وضعیت، یک کمیابی مصنوعی ایجاد می‌کند، یعنی با وجود ورود ارز به کشور، بخش عظیمی از آن توسط تقاضای احتیاطی بلعیده و منجمد می‌شود و دست تولید‌کننده واقعی را خالی می‌گذارد. خود این کمیابی نیز مجدداً به لنجری برای تشدید تورم و رکود بدل می‌شود.

بنابراین ضرورت حیاتی امروز اقتصاد ایران، تغییر فاز ارز از کالای سرمایه‌ای به ابزار مبادله است. تا زمانی که دلار، سکه و طلا به عنوان یک دارایی امن و سودده در ذهنیت جامعه تثبیت شده باشد و اعتماد مردم

به حکمرانی اقتصادی برای حفظ ارزش پول ملی بازنگردد، هر میزان تزریق ارز و طلا توسط دولت، در این چاه ویل ناپدید خواهد شد.

معمای پنهان اقتصاد ایران

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از تدوین و پیشنهاد طرحی تازه برای به‌جریان انداختن سرمایه‌های منجمد مردمی خبر داده و در گفت‌وگویی خبری اعلام کرده است که این طرح به وزارت امور اقتصادی و دارایی ارائه شده و رایزنی‌ها با وزیر اقتصاد برای اجرای هرچه سریع‌تر آن در جریان است. به گفته او، در شرایط کنونی بخشی از جامعه، پس‌اندازهای خود را به طلا تبدیل می‌کند؛ رفتاری که در سطح فردی ممکن است منطقی به نظر برسد، اما در سطح کلان، به معنایی اقتصادی بدل می‌شود؛ معنایی که در آن بهبود وضعیت فردی، در بستر تضعیف اقتصاد عمومی، نهایتاً به زیان همان پس‌اندازکنندگان می‌انجامد.

میدری در تشریح ابعاد این سیاست، از طراحی «بسته‌های کالایی» در کنار طرح اصلی خبر داده و توضیح داده است که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با در اختیار داشتن بخشی از پتروشیمی‌ها و معادن کشور، قصد دارد اوراق مبتنی بر کالاهای استراتژیک را به مردم عرضه کند تا امکان تبدیل پس‌اندازها به این دارایی‌ها فراهم شود؛ اوراقی که بازدهی آن‌ها تضمین شده و در برابر نوسانات احتمالی نیز سود مشخصی را برای دارندگان خود تأمین می‌کند. به گفته وزیر کار، تمایز این سیاست با نگهداری طلا در آن است که انباشت طلا به خلق تولید نمی‌انجامد، حال آنکه تبدیل پس‌اندازها به کالاهایی مانند اتیلن یا مس، به حرکت درآمدن چرخه‌های تولید را در پی دارد.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ادامه با اشاره به چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران، از شوک‌هایی چون قطع برق و گاز، کمبود آب، کاهش بارندگی و نوسانات ارزی یاد کرده و تأکید داشته است که سرمایه انسانی گسترده کشور، ظرفیت پاسخ سریع به این چالش‌ها فراهم می‌کند. با این حال، واقعیت آن است که حبس سرمایه‌های مردمی تنها یکی از مشکلات پیش‌روی تولید ملی است و این بخش با مجموعه‌ای از موانع، از تأمین مواد اولیه و ماشین‌آلات گرفته تا مسائل مالیاتی، بیمه‌ای و بی‌ثباتی نرخ ارز، مواجه است. فقدان برنامه‌های حمایتی پایدار و قوانین بازدارنده، انگیزه سرمایه‌گذاری را تضعیف کرده و مسیر انجماد سرمایه در حوزه‌های غیرمولد را هموار ساخته است؛ وضعیتی که عبور از آن، مستلزم اصلاحات بنیادین، شجاعانه و هماهنگ در سیاست‌های اقتصادی کشور خواهد بود.

پرهزینه‌تر شده است. این روند فشار مضاعفی بر بودجه عمومی وارد کرده و کارایی نظام حکمرانی اقتصادی را کاهش داده است.» اله‌داد همچنین خاطرنشان کرد: «عقب‌ماندگی در توسعه زیرساخت‌های نفت و انرژی به معضل جدی کشور تبدیل شده است. تحریم‌ها موجب شده نفت ایران با حجم کمتر و قیمت پایین‌تر فروخته شود و توسعه و نوسازی زیرساخت‌های نفتی با تأخیر مواجه گردد. حتی مسئولان دولتی به صراحت از قاچاق روزانه حدود ۲۰ میلیون لیتر بنزین و گازوئیل انتقاد می‌کنند، درآمد ناشی از کنترل این پدیده می‌تواند برای توسعه زیرساخت‌ها، به‌ویژه در صنعت نفت، مورد استفاده قرار گیرد. اما در غیاب فناوری‌های روز، سرمایه‌گذاری خارجی و مدیریت نوین، اقدام عملی و قاطع برای حل این معضل همچنان مشاهده نمی‌شود.»

چالش فناوری و سرمایه‌گذاری ملی

اله‌داد با تأکید بر وضعیت صنعت نفت و گاز گفت: «در سال‌های اخیر، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در این حوزه کاهش یافته و عقب‌ماندگی‌های انباشته بیش از پیش آشکار شده است. نمونه بارز این وضعیت، میدان گازی مشترک پارس جنوبی در عسلویه است؛ جایی که کشور قطر با مدیریت بهینه منابع، جذب سرمایه خارجی و همکاری با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی، برداشت خود را به‌طور قابل توجهی افزایش داده و ذخایر ارزی چشمگیری ایجاد کرده است. در مقابل، ایران با وجود توانمندی‌های فنی و نیروی انسانی متخصص، به دلیل محدودیت‌های بین‌المللی از این همکاری‌ها عقب مانده و بخشی از فرصت‌های توسعه خود را از دست داده است.»



عباس صوفی

نایب‌رئیس کمیسیون عمران مجلس

اعتبارات ناکافی برای بخش مسکن

در لایحه پیشنهادی بودجه دولت برای سال ۱۴۰۵، هرچند افزایش‌هایی در اعتبارات حوزه مسکن و بازآفرینی شهری دیده شده، اما منابع پیش‌بینی شده همچنان پاسخگوی حجم واقعی نیازهای کشور نیست. بخش مسکن سهم عمده‌ای از هزینه‌های خانوارها را به خود اختصاص داده و بیش از ۴۰ درصد درآمد خانوارها در شهرستان‌ها و بیش از ۵۰ درصد درآمد خانوارها در تهران صرف اجاره‌بها و ودیعه مسکن می‌شود. با این حال، در بودجه پیشنهادی، توجه کافی به تأمین منابع لازم و مدیریت پروژه‌های مسکن نشده و ضرورت دارد تقویت صندوق ملی مسکن و استفاده از ظرفیت مولدسازی دارایی‌های مازاد دولت با جدیت پیگیری شود تا پروژه‌های عمرانی و بازآفرینی شهری به‌شکلی مؤثر اجرا شوند. بدون این اقدامات، فشار اقتصادی بر خانوارها افزایش می‌یابد و دسترسی به مسکن مناسب برای بخش عمده‌ای از جامعه محدود خواهد ماند.

جلسه بررسی بودجه عمرانی با حضور مسئولان سازمان برنامه و بودجه، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، وزارت راه و شهرسازی، معاونت مسکن و ساختمان و شرکت بازآفرینی شهری برگزار شد. در این نشست، بودجه‌های متولی مسکن و شهرسازی مورد تحلیل قرار گرفت و هر یک از دستگاه‌های پیشنهادات خود را ارائه دادند. از جمله این پیشنهادات می‌توان به افزایش بودجه ساخت مسکن محرومان، اختصاص قیر رایگان برای بهسازی روستاها و معابر، و تقویت اعتبارات زیرساخت‌های مسکن شهری اشاره کرد. با این حال، بررسی‌ها نشان داد بودجه اختصاص یافته به صندوق ملی مسکن، با وجود افزایش نسبت به گذشته، هنوز برای پاسخگویی به حجم واقعی نیازها کافی نیست. مقرر شد سقف منابع صندوق افزایش یابد و معاونت مسکن وزارت

راه و شهرسازی پیگیری لازم برای برگزاری نخستین جلسه هیئت امنای صندوق در سال جاری را انجام دهد تا اقدامات اجرایی آغاز شود. مولدسازی دارایی‌های مازاد دولت و استفاده از آن برای پیشبرد پروژه‌های عمرانی، دیگر محور مهم جلسه بود. مولدسازی می‌تواند مسیر مؤثری برای خروج پروژه‌های مسکن از محدودیت منابع فراهم کند، اما در لایحه بودجه ۱۴۰۵ سهم بسیار محدودی برای آن در نظر گرفته شده است. نمایندگان کمیسیون تلفیق تأکید کردند که این موضوع باید با جدیت بیشتری پیگیری شود و در مراحل بعدی بررسی بودجه اعمال گردد تا منابع لازم برای توسعه زیرساخت‌ها و ساخت مسکن تأمین شود. در غیر این صورت، پروژه‌های عمرانی و توسعه شهری همچنان با مشکل جدی مواجه خواهند بود و دسترسی به مسکن مناسب برای اقشار مختلف جامعه به تأخیر خواهد افتاد.

در نهایت، بودجه عمرانی پیشنهادی با شرایط تورمی همخوانی ندارد و توجه کافی به بخش مسکن نشده است. فشار اقتصادی بر خانوارها شدید است و نبود برنامه‌ریزی و منابع کافی پیامدهای گسترده‌ای دارد. دولت و مجلس باید با سیاست‌های مؤثر، تقویت صندوق ملی مسکن و استفاده از ظرفیت مولدسازی، این بخش حیاتی را پایدار مدیریت کنند تا شرایط زندگی خانوارها بهبود یابد و بحران مسکن تشدید نشود.